

سخن نخست

مصطفی حمیدیه

از امیرالمومنین علی علیه السلام نقل شده است که فرمودند: اللهم انی بریء من الغلاه کبرائه عیسی بن مریم من النصارى. اللهم اخذلهم أبداً ولا تنصر منهم أحداً (الامالی، شیخ طوسی، حدیث. (1350 یعنی خداوندان من از غالیان، بیزاری می‌جویم همانگونه که عیسی بن مریم از نصارا بیزاری می‌جوید. خداوندان همواره آنان را خوار گردان و کسی از آنان را یاری نکن. غلو پیش و بیش از آنکه در امت اسلام رخ دهد در یهودیت و مسیحیت رخ داده است. در قرآن کریم سوره نساء آیه 171 آمده است:

یا اهل الکتاب لاتغلو فی دینکم و لاتقولوا علی الله الا الحق. یعنی ای اهل کتاب در دینتان غلو نورزید و بر خداوند جز حق نگوئید. یهود در مورد عزیز گفتند او فرزند خداست؛ و قالت الیهود عزیز بن الله (سوره توبه آیه. (30 همچنین می‌دانیم که چگونه مسیحیان حضرت عیسی را پسر خداوند قلمداد کردند و پسر را با پدر متحد دانستند. آنها با این اعتقاد که در ابتدای انجیل یوحنا (چهارمین انجیل در عهد جدید که به انجیل غیر همونا مشهور است زیرا با سه انجیل متی و مرقس و لوقا ناهمسان است) آمده است در واقع معتقد شده‌اند که خداوند خودش در قالب اقنوم پسر به روی زمین آمده و رنج کشیده تا انسان از گناه نخستین رها شود!

غلوهایی از این دست در تمام ادیان شرک آلود و بت پرست دیده می‌شود کما اینکه در ادیان ثنوی مانند مانویت به وضوح هست. آنجا که مصریان باستان فرعون را نماینده آتوم یعنی خدای خورشید می‌شمردند و او را می‌پرستیدند در واقع ما با یک غلو مواجهیم. آیا در عامه (اهل سنت) هم غلو وجود داشته است؟ پاسخ مثبت است. «غلات عباسیه» یا «راوندیه» در ابتدا قائل به الوهیت منصور خلیفه عباسی و نبوت ابومسلم شدند. پس از مرگ ابومسلم توسط منصور (سال 141 قمری) همین گروه شورشی برپا کردند و نهایتاً به دستور منصور به اتهام زندقه کشته یا سوزانده شدند. از فرقه راوندیه، فرقه‌هایی ظهور یافته‌اند همچون ابومسلمیه، رزامیه (که می‌گفتند خداوند در ابومسلم حلول کرده است)، ابوهریره و هاشمیه. نمونه دیگر غلو در عامه سخنان غیرعادی و کراماتی عجیب در مورد خلیفه اول و دوم، معاویه و یا حتی روسای مذاهب اربعه است. علامه امینی در جلد یازدهم الغدیر نمونه‌های جالب توجهی از این غلوها را جمع کرده است. مثلاً درباره الم در اول سوره بقره گفته شده است که «الف»، ابوبکر «لام»، الله و «میم»، محمد است. یا از ابوهریره از قول پیامبر آورده‌اند که «امین‌ها نزد خداوند سه نفرند: من، جبرئیل و معاویه.»

نکته مهم در این میان آن است که معنای غلو به درستی تبیین شود. چرا که در طول تاریخ برخی با پیش فرض‌های خاص خود، غلو را به گونه‌ای معنا کرده و برچسب غالی را بر عده‌ای چسبانده‌اند. قطعاً نمی‌توان وجود یک کرامت و عمل فوق طبیعی را صرفاً به خاطر آنکه علم تجربی یا عقل عادت کرده به زندگی مادی آن را نمی‌پذیرد یا سخت می‌پذیرد تحت عنوان غلو بیاوریم. زیرا چنین خوارق عاداتی در خود قرآن هم ذکر شده است مثلاً بادها در تصرف حضرت سلیمان بودند. پس باید ملاکی بیابیم.

برخی از روشنفکران از همین اختلافات در مورد معنای غلو که در طول تاریخ قابل مشاهده است سوءاستفاده کرده‌اند و تلاش کرده‌اند امامان علیهم السلام را صرفاً «علمای ابرار» فاقد کرامات و خوارق عادات و عصمت نشان دهند! بنابراین مساله غلو و تعیین معنای آن اهمیتی ویژه برای امروز ما هم دارد. مقالات این مجیزه بخشی از طرحی کلی‌تر است در رد سوءاستفاده روشنفکری ایران از تاریخچه غلو که امیدواریم آن را در آینده‌ای نزدیک به صورت کتاب به جامعه علمیه تقدیم نماییم.